

انگ خوردگی سکونت گاه غیر رسمی نوکان در کرمانشاه

سیاوش قلی پور*، نادر امیری**، سارا کرانی***

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۴/۱۶ تاریخ بازنگری: ۹۷/۱۱/۱۲ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۱/۲۰

چکیده

این مقاله تلاش می‌کند فرآیند انگ خوردگی محله نوکان در شهر کرمانشاه را بررسی کند. چارچوب نظری پژوهش مبتنی بر آراء راب شیلدز در باب «فضاسازی اجتماعی» است. شیلدز، فرآیند برساخت معنای مکان را ناشی از روندهای عینی در زندگی روزمره می‌داند که به طرق مختلف حکایت‌ها و تصوراتی را درباره آن بر ساخته و اسطوره-مکان را شکل می‌دهند. روش تحقیق مردم‌نگاری است و تکنیک گردآوری داده‌ها شامل مشاهده مشارکتی و مصاحبه عمیق می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که روندهای مختلفی در برجسب خوردگی آن نقش دارند: شهرداری با انتشار ایمازه مکان «دهاتی» از ارائه خدمات به این محل امتناع می‌ورزد. نیروی انتظامی با برجسب «خشونت» و «مکان جرم‌خیز» در منازل محله دخالتی ندارد. آموزش و پرورش بچه‌های مدارس نوکان را بی‌نظم و ناهنجار معرفی می‌کند. همچنین با تأمین نکردن زیرساخت‌های لازم دانش‌آموزان برخی مقاطع را به محلات دیگر می‌فرستند که در منازعات با محلات دیگر بر انتشار برجسب‌ها دامن می‌زنند. از سوی دیگر، راننده تاکسی‌ها، مغازه‌داران، مستاجرین و زنان کوچه‌نشین چنین تصوراتی را بازتولید و بر آن صحنه می‌گذارند. سرانجام این که در فرآیند داغ خوردگی نوکان صرفاً زبان و نشانه‌ها ارجحیت ندارند بلکه عمل افراد در زندگی روزمره نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

واژگان کلیدی: انگ خوردگی، ایمازه‌مکان، طرد اجتماعی، فضاسازی، نوکان.

gholipoor.sia@gmail.com

amirinad@gmail.com

korani.sa.sa@gmail.com

* استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه رازی (نویسنده مسئول).

** استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه رازی.

*** کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی دانشگاه رازی.

طرح مسئله

اگرچه نوکان بخشی از شهر کرمانشاه تلقی می‌گردد اما محله‌ای منزوی و محصور در مرزهای خاص خود است. ضلع جنوبی نوکان منتهی به اتوبان بیستون بوده و حریم اتوبان تا چندین متر درختکاری شده و یک «نامکان»^۱ را در اطراف خود شکل داده است. ضلع شمالی محله به جاده قدیم بیستون منتهی می‌شود و ضلع غربی که در گذشته جز اراضی بوده است، اخیراً به شهرک جهاد و شهرداری اختصاص داده شده است. مرز میان نوکان با این مناطق یک خیابان عریض می‌باشد. این خیابان مانند دیواری نوکان را از محلات مجاور جدا و تمایزات را نمایان‌تر کرده است. بدین ترتیب، اتوبان، خیابان و زمین‌های خالی از سکنه (واقع در ضلع جنوب‌غربی) به مثابه مرزهای متمایزکننده عمل نموده و نوکان را از بدنه شهر منفصل نموده‌اند. بدیهی است که مرزهای فیزیکی همواره مرزهای اجتماعی را نیز به همراه دارند: امکان دسترسی به شبکه شهر برای محلات مجاور واقع در ضلع غربی راحت‌تر می‌باشد، علاوه بر دسترسی به راه‌های ارتباطی و موقعیت جغرافیایی، ویژگی ظاهری و مادی محله نیز حائز اهمیت می‌باشد، چنین خانه‌ها نامرتب و خیابان‌ها درهم تنیده و منقطع هستند. مهاجرین نیز خانه‌هایشان را با همان الگوی بی‌نظم پیشین ساخته‌اند. شکل ظاهری نوکان بسیار متفاوت‌تر از محله‌های اطراف می‌باشد، ارتفاع خانه‌ها با یکنواختی و یکسانی ساخته شده‌اند و ساختمان‌های زیبا و بلند در این مکان وجود ندارد؛ اما با حرکت به سمت محله‌های هم‌جوار در ضلع غربی، بافت و کالبد شهر کاملاً متفاوت می‌شود: مصالح ساختمانی با کیفیت، معابر فراخ، جدول‌بندی مناسب، ساختمان‌های بلندتر و زیباتر خود را نشان می‌دهند. عدم تناسب بافت کالبدی با محلات هم‌جوار و عدم پیوستگی در فضاهای مسکونی، شکل و شمایل متمایزی به نوکان بخشیده است.

به لحاظ اجتماعی نوکان منزلت و جایگاهی هم‌تراز با محلات مجاور نداشته و افزون بر آن، در سپهر اجتماعی شهر نیز واژگان منفی بسیاری در مورد آن وجود دارد. این معانی سبب انگ‌خوردن و توقف برنامه‌ها و فرآیندهای توسعه‌ای در نوکان شده است. معانی‌ای که بینش و معیار قضاوت ما در مورد دیگری را شکل داده و ضمن تعمیم این بینش به کلیت یک محله، توانایی تفکر و قضاوت عینی را از افراد سلب می‌نمایند. چنین شرایطی صرفاً مختص به افراد نیست، بلکه همواره ممکن است در رابطه با مکان‌ها نیز برچسب‌هایی شکل بگیرند (see Status 1961, Lefebvre 1991). انگ‌خوردگی نوکان بر ساختی از کنش‌ها،

1.nonplace

۳ انگ خوردگی سکونت‌گاه غیر رسمی نوکان در کرمانشاه

رهوارها و فرآیندهایی در زندگی روزمره است. سکنه کلان‌شهر کرمانشاه بر مبنای تصورات ذهنی و پیشینی خود، رویکرد مثبتی نسبت به این محله نداشته و آن را به‌مثابه مکان سیاهی در سپهر اجتماعی شهر تلقی می‌نمایند. چنین معنایی از محله نوکان در قیمت ملک، سرانه فضاهای آموزشی، بهداشتی، تجاری، فضای سبز، سرانه ورزشی و فرهنگی نقش مخربی داشته و منجر به تثبیت موقعیت آن در نقش یکی از سکونت‌گاه‌های غیررسمی تلقی می‌گردد (see Tadbir Shahr Advisor 2003). مضاف بر این، نوکان از نظر نهادهای مردمی، سمن‌ها و نهادهای بین‌المللی مانند یو. ان. هبیتات^۱ مورد توجه نبوده و در ادبیات علمی شهرسازی، برنامه‌ریزی جغرافیایی و جامعه‌شناسی سکونت‌گاه‌های غیررسمی بازنمایی نشده است.

تاکنون مطالعات زیادی در زمینه سازوکارهای انگ‌خوردگی محلات شهری در ایران انجام نگرفته است؛ اما طرد اجتماعی (Hamidian et al 2015, Taheri and Ejlali 2013, Khaje Salehani and Azam Zade 2015) بیشتر مدنظر بوده است. این مطالعات، صرفاً به کالبد شهر و زیرساخت‌های اجتماعی و ارتباط آن با مکان‌های دیگر پرداخته‌اند و روابط انسانی و عوامل مؤثر در انگ‌خوردگی که خود منجر به طرد اجتماعی می‌شود را نادیده گرفته و یا این‌که فرآیند انگ‌خوردگی را به‌مثابه امری بدیهی تلقی کرده‌اند^۲. بر این اساس پژوهش حاضر بر آن است که سازوکار انگ‌خوردن محله نوکان را بررسی و روندها و عاملان تأثیرگذار بر آن را شناسایی کند. پرسش‌های پژوهش عبارت‌اند از:

۱- روندها و عاملان انگ‌خوردگی محله نوکان کدام‌اند؟

۲- کدام نهادها و گروه‌ها سهم بیشتری در انگ‌خوردگی محله نوکان دارند؟

۳- راه‌های و برنامه‌های مؤثر در مبارزه با انگ‌ها کدام‌اند؟

چارچوب نظری

نظریات راب شیلدرز، برخلاف نظریه‌های دیگری که به فضا‌سازی پرداخته‌اند، عمده توجه خود را به فرآیندهای ساخت معانی مختلف در رابطه با مکان معطوف نموده است. وی در کتاب «مکان‌هایی در حاشیه: جغرافیای جایگزین مدرنیته» (1991) با ارائه چهار مورد

1. UN-HABITAT

۲. منابع لاتین در این زمینه غنی‌ترند. برای مثال واکوانت و همکاران (2014) در مقاله‌ای با عنوان «انگ سرزمینی در عمل» نشان می‌دهد که مقامات دولتی و سیاسی، متخصصان فرهنگی باعث انگ‌هایی فضایی و استفاده از اصطلاحات همچون از مد افتاده و تحمیل آن به مکان مورد نظر شده‌اند.

پژوهشی: ساحل برایتون، آبشار نیاگارا، شمال کانادا و شمال و جنوب لندن روندهای
برساخت معنا را در بستر تاریخ اجتماعی و فرهنگی، همچنین نقش تمامی حوادث، پدیده‌ها
و نقش رسانه‌هایی مانند کتاب (به‌ویژه رمان)، تصاویر، کارت‌پستال، گزارش‌های علمی،
سفرنامه‌نویسی و گفت‌وگوهای مردم در زندگی روزمره که در شکل‌گیری معنای مکان و
تغییرات آن مؤثر می‌باشند را، مورد مطالعه و بررسی قرار داده است.

مکان‌های حاشیه‌ای همواره در تقابل با مرکز و یا دیگری فرادست قرار می‌گیرند و
معیار اصلی تحلیل در این مورد، دورافتادگی و فاصله از شهر است، در این میان درک
جغرافیایی جایگزین درک عمومی شده و تقسیم جغرافیایی به صورت استعاری نشانگر
تفکیک اجتماعی و بیانگر تفاوت‌های ملموس است. یک مکان عمدتاً به دو دلیل بدل به
مکان حاشیه‌ای می‌شود: ۱- دوری و انزوای جغرافیایی ۲- عدم وجود اعمال قدرت بر
تحولات محلی. داغ‌ننگ حاشیه‌ای در پیرامون نظام‌های فرهنگی جای داده می‌شود و با
مقایسه‌ی مکان‌ها رتبه‌بندی می‌شوند، اما لزوماً این دوگانگی مکانی نیست و یک جغرافیای
تخیلی و مضاف بر آن یک دیگری اجتماعی نیز هست. در اینجا تمرکز بر امور انضمامی،
چگونگی فضا‌مند شدن تقسیمات اجتماعی به‌عنوان تقسیمات جغرافیایی و پرسش از فرآیند
انگ‌خوردن مکان‌ها مانند افراد منحرف است، به‌عنوان مثال: محله بزهکاران، گروه‌های قومی،
رنگین‌پوستان و نظایر آن.

راب شیلدز از اصطلاح «فضاسازی اجتماعی» استفاده می‌کند تا بتواند در سطح تصورات
اجتماعی به برساخت اجتماعی مستمر فضا اشاره کند. شیوه‌ای که در آن فضاسازی مشهود
است اعمال فضایی می‌باشد. مردم از طریق گفت‌وگو در زندگی روزمره مرتبط با مکان‌ها و
مناطق معانی ضمنی‌ای می‌سازند. در اینجا می‌توان به مردمی که تصاویر فضایی را به کار
می‌برند توجه نمود، مردم می‌توانند بر اساس خصوصیات مشخصی که به یک مکان نسبت
می‌دهند تصمیم بگیرند. رابطه خود و دیگری که همراه با طرد و شمول است، دوگانه
فرهنگ در برابر طبیعت، متمدن در برابر غیرمتمدن، فرادست در برابر فرودست قرار
می‌گیرد و یک طرف این دوگانگی حذف می‌شود. در بحث فضاسازی اجتماعی گاهی
دیگری طرد، منسوخ و یا به‌مثابه مکانی داغ‌خورده معرفی گشته و از طریق ساده‌سازی،
کلیشه‌سازی و برچسب‌زنی، امکان بررسی تصاویر ساخته شده مکان را میسر می‌کند. در
حقیقت در نظریه شیلدز مکان‌ها از طریق فضاسازی اجتماعی که شامل: «طرد و شمول،

تمایز و جدایی، اهمیت تاریخ اسطوره، فضا سازی و تصویر است به شکل معناداری ساخته می‌شوند» (Shields, 1988: 145).

در نظریه شیلدز فضا سازی به عنوان یک پروسه فرهنگی توضیح داده شده و راهی که فضا سازی در آن به وقوع می‌پیوندد یک راه تجربی است. هر مکانی از طریق کنش متقابل بین انسان‌ها و مکان‌های دیگر، تاریخ و هویت خود را به دست می‌آورد و در واقع مکان‌ها از این طریق معانی نمادین می‌یابند. داستان‌های گروهی و افسانه‌ها منجر به برساخت نمادین اجتماع از طریق تمایزیابی خودی‌ها از دیگری به واسطه برجسب‌زدن می‌شوند. البته باید به این نکته توجه داشت که معانی مختلف و مجزایی که با مکان‌های واقعی و نواحی ساخته می‌شوند، صرف نظر از ویژگی‌هایی که در واقعیت دارند، ممکن است درست یا غلط باشند، زیرا آن‌ها از کلیشه سازی و یا تعصب خاصی که ساکنان این فضاها دارند ناشی می‌شوند. در مجموع تصاویر و اسطوره فضاها، یک اسطوره مکان به وجود می‌آورند که هسته معانی درباره آن مکان را شکل می‌دهد. فضا در افکار شیلدز با گفتمان (کاربرد استعاره‌ها) و تجربه (اسطوره‌هایی که به عمل منتقل شده‌اند) دارای وابستگی و اتحاد است و به روابط درونی آن‌ها اشاره می‌کند؛ بنابراین فضا سازی در شکل‌های به هم پیوسته و به عنوان یک فعالیت در محیط باز تولید می‌شود، فضا سازی یک مجموعه مهم از مفاهیم هسته‌ای و استعاره‌های بنیادین است که در گفتمان هر روزه بین مردم ظاهر می‌شود. بدین ترتیب فضا سازی به عنوان یک برساخت فرهنگی ذاتاً ناپایدار است، چون همواره با نسبیت روبرو است و این امر باعث می‌شود فضا سازی در یک چرخه تولید و باز تولید قرار بگیرد. همان گونه که شیلدز می‌گوید: «فضا سازی خودش را در موضوعات گفت‌وگویی آشکار می‌سازد تصاویر مکان‌ها و مناطق) یعنی گفتمان‌هایی درباره فضا) بر اساس آن مورد اشاره و تفسیر قرار می‌گیرند این خود وسیله‌ای برای ابراز ایده‌ها است. خلاصه سازی خردمندان‌ای که با آن استعاره‌های فضایی و تصاویر مکانی می‌توانند منتقل کننده مجموعه پیچیده‌ای از پیوستگی‌ها باشند، بدون آنکه گوینده عمیقاً به آن‌ها بیندیشد یا دقیقاً مشخص کند که منظورش کدام پیوستگی‌ها یا تصاویر است». (Shields, 1991: 46)

اسطوره فضاها به تدریج پیش‌داوری‌ها و تصورات قالبی درباره مکان را به وجود می‌آورند که بدان اسطوره مکان می‌گویند. اسطوره مکان‌ها از طریق ساده سازی بیش از حد (تقلیل به یک نشانه) و کلیشه‌ای کردن (توسعه یک یا چند نشانه) و نیز برجسب زدن به مکان‌ها به وجود می‌آیند و نشانه‌های آن همواره در درون چیزهایی که فرهنگ تاریخی عامه را به

نمایش می‌گذارند، وجود دارند؛ مانند: کارت‌پستال‌ها، تصاویر تبلیغاتی، داستان‌ها، آوازه‌ها و رسانه‌ها. اسطوره فضا برآمده از دل گفتمان آن مکان است و این اسطوره درون یک فضا سازی متقابل قرار می‌گیرد که به‌عنوان ملاک و معیار تعبیر می‌شود. اسطوره فضایی تبدیل به وزنه تعادل می‌شود که هسته آن هویت محله است که به آن تکنیک خودشناسی از طریق نفی می‌گویند. ساخت یک هویت فرهنگی از دو سمت معادله متمدن و نامتمدن است، یک منطقه جغرافیایی واقعی نیست بلکه یک سرزمین تصویری است. در تاریخ، مفصل‌بندی تصاویر فضایی و اسطوره‌ها را با یکدیگر که معنای خود را از تفاوت نسبی‌شان اخذ می‌کنند افشا می‌نمایند. این آرایش با ترتیب به‌عنوان منظومه‌ای از اسطوره‌ها و تصاویر ترسیم شد. خصلت یک مکان به‌صورت ریشه‌ای تغییر می‌کند به‌طوری‌که انتظار تغییر در اسطوره مکانی می‌رود این امر به وقوع نمی‌پیوندد. اسطوره بدون توجه به مشخصات فردی، هویت را مشخص و تعریف می‌کند. همان‌گونه که شیلدز می‌گوید: «اسطوره مکانی به‌مثابه‌ی نماد وحدت مشترک، عنصر اساسی یک جایگاه بخشی اجتماعی و گفتمان‌های فرهنگی است، هم به لحاظ فضایی و هم سلسله‌مراتبی در برابر فضاها و موقعیت‌های سایر طبقات و گروه‌ها قرار می‌گیرد، مرز و تقابل‌ها را آشکار می‌گرداند». (Shields, 1991: 245)

اسطوره‌ها به‌عنوان استعاره‌های هدایت‌گر مجموعه قوانین کردار و طرز عمل را برای روبه‌های فضایی و رژیم اندیشه فراهم می‌آورند، از طریق تصویب شدن یعنی تبدیل شدن به پدیداری‌های مردمی که تصمیم می‌گیرند و از تأثیرات تجربی برخوردارند. اسطوره‌ها و تصاویر به‌عنوان بخشی از ساخت‌های نمادین اجتماعی ایفای نقش می‌کنند. تصاویر مرکزی در روایت‌های دیگر پدیدار می‌شود، این تصاویر به‌منظور تثبیت خوشه‌های تصاویری که به‌منظور توصیف تجربه‌ی مکان‌ها به کار می‌روند، برساخت نمادین هویت اجتماعی از طریق اسطوره‌ها و داستان‌های گروهی حمایت می‌شود. اینکه چگونه یک اسطوره فضایی در طول زمان می‌ماند، در روایت‌های محلی ضبط و بازسازی می‌شوند و وارد هویت منطقه‌ای می‌شوند، این امر نیازمند مطالعات تجربی و ریشه‌یابی تاریخی است. اسطوره تخیل ساده‌ای نیست بلکه به شکل پیچیده با شرایط ملموس در ارتباط است، اهمیت اسطوره فضا را تصاویر و حکایت‌ها برجسته می‌سازند. مکان‌های مرکزی دارای اسطوره‌ی برتر در سازمان‌ها و نهاد‌های اجتماعی، دیگری فروتر را خوار می‌کنند و به همین وسیله تصورات مشترک از فرهنگ مسلط را شکل می‌دهند و با استفاده از برچسب حاشیه‌ای به برتری خود مشروعیت می‌بخشند و همین برساخت‌هایی که با معنا همراه است به روح مکان اضافه می‌شود، به

لحاظ تجربی مفصل‌بندی تصاویر فضایی و اسطوره‌ها با یکدیگر، معنای خود را از تفاوت نسبی‌شان اخذ می‌کنند این آرایش با ترتیب به‌عنوان منظومه‌ای از اسطوره‌ها و تصاویر ترسیم می‌شود، با تغییرات تاریخی و اجتماعی خصلت یک مکان به‌صورت ریشه‌ای تغییر می‌کند و اسطوره-فضاها در طول زمان به یک شیوه باقی نمی‌مانند.

روش تحقیق

روش پژوهش مردم‌نگاری است. مردم‌نگاری یک توصیف عمیق و همه‌جانبه از جامعه مورد تحقیق می‌باشد. به همین دلیل جامعه کوچک انتخاب می‌شود (Jackson, 2014; 853 : (Brix 2006, vol (2)). جامعه مورد مطالعه این پژوهش محله نوکان در منتهی‌الیه شمال شرقی شهر کرمانشاه است. فنون گردآوری داده عبارت‌اند از: مشاهده و مصاحبه (عمیق و زندگی‌نامه‌ای). مهم‌ترین عنصر کلیدی در مشاهده «صرف زمان‌های طولانی در میدان‌های تحقیق است که به مردم‌نگار اجازه می‌دهد که فهم عمیقی از پدیده‌ی تحت مطالعه را توسعه بخشد» (Murchison, 2013: 124-125). یکی از پژوهشگران ساکن این محله است و مدت یک سال به‌طور سیستماتیک مشاهدات و مصاحبات خود را ثبت نموده است. در این بخش فرصتی پیدا می‌شود تا محققین، بسیاری از مشاهدات خویش را ارزیابی کنند و توضیحات مفصل، منطق‌های دقیق و اطلاعات پس‌زمینه‌ای را بیشتر بکاوند. در مصاحبه‌ها تلاش شد تا از اطلاع‌رسان‌ها در حوزه‌های مختلف استفاده گردد. اطلاع‌رسان‌ها برای روش اتنوگرافی بسیار مهم و تأثیرگذارند، آن‌ها نه تنها بصیرت‌هایی برای موضوع مورد مطالعه فراهم کردند بلکه منابع اطلاعاتی دیگری را معرفی و دسترسی به این منابع را تسهیل می‌کنند. بر این اساس پس از ۳۴ مصاحبه داده‌ها تکرار شده و پژوهش به اشباع نظری رسید. پرسش‌ها بر مبنای بافت چند فرهنگی محله طرح شد. جدول شماره ۱ ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان را نشان می‌دهد. ۴ نفر آن‌ها افرادی هستند که بین ۸۰ تا ۹۰ سال عمر دارند و از سکنه قدیم نوکان هستند. آن‌ها در روند تحولات تاریخی اطلاعات مفیدی ارائه دادند. ۱۲ نفر آن‌ها جزو اولین مهاجرین به این محله هستند که تجربه زیسته آن‌ها در این بخش مورد استفاده قرار گرفت؛ بنابراین اطلاعات مهاجرت و جابجایی‌های جمعیتی و مشکلات آن دوره و همچنین مشکلات فعلی و تعاملات اجتماعی کنونی توسط این افراد به دست آمد. آن‌ها خانه‌دار، تعمیرکار، آرایشگر و راننده تاکسی بودند. با ۵ پسر و ۷ دختر نوجوان و جوان مصاحبه به عمل آمد تا اطلاعات حوزه آموزش، خرید و

رفت و آمدهای آنها در سطح شهر احصاء گردد.

جدول (۱): ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان (اطلاع‌رسان‌ها)

Table 1: The Characteristics of Interviewees

ردیف	نام	سن	مدت زمان سکونت (بر حسب سال)	تحصیلات	شغل
1	علی	68	بدو تولد	بی‌سواد	بیکار
2	حسن	80	بدو تولد	بی‌سواد	بیکار
3	لطف‌الله	88	بدو تولد	بی‌سواد	بیکار
4	فیض‌الله	82	بدو تولد	بی‌سواد	بیکار
5	علی‌احمد	58	بدو تولد	بی‌سواد	تعمیرکار
6	محمود	48	بدو تولد	ابتدایی	تعمیرکار
7	خلیل	48	26	سیکل	راننده تاکسی
8	علی	54	30	سیکل	مکانیک
9	عرفان	19	11	سیکل	آزاد
10	فرشاد	21	بدو تولد	دانشجو	دانشجو
11	عرفان	22	بدو تولد	دانشجو	دانشجو
12	حسین	19	8	دیپلم	تراشکار
13	میثم	22	15	دیپلم	آزاد
14	سیاوش	42	غیر ساکن	دکتری	دبیر
15	نرجس	35	غیر ساکن	ارشد	دبیر
16	اقبال	45	غیر ساکن	کارشناسی	دبیر
17	کافیه	49	40	بی‌سواد	دامدار
18	اکرم	22	بدو تولد	کارشناسی	بیکار
19	مهوش	54	26 سال	بی‌سواد	خانه‌دار
20	سیران	48	21	بی‌سواد	خانه‌دار
21	شهلا	49	28	سیکل	مغازه‌دار
22	فرزانه	56	بدو تولد	بی‌سواد	خانه‌دار
23	زهرا	38	10	بی‌سواد	مغازه‌دار
24	پری	37	6	سیکل	آرایشگر
25	زهرا	27	2	ارشد	بیکار
26	صبا	26	23	ارشد	معلم
27	ژیلا	25	بدو تولد	دیپلم	بیکار
28	ندا	23	بدو تولد	دیپلم	خانه‌دار

29	شیوا	18	6	دیپلم	بیکار
30	حدیث	19	4	دیپلم	بیکار
31	زهرا	57	33	بی سواد	خانه دار
32	حسن	50	غیر ساکن	دیپلم	نظامی
33	سعید	32	غیر ساکن	کارشناسی	نظامی
34	جلیل	29	غیر ساکن	کارشناسی	نظامی

۳ نفر دبیر آموزش و پرورش، ۳ نفر از پرسنل نیروی انتظامی بودند تا داده‌های حوزه آموزش و امنیت نیز به دست آید. تمام این اطلاعات در کنار تجربه زیسته یکی از پژوهشگران که ساکن محله است مقایسه شد.

شیوه تحلیل داده‌ها

در اتنوگرافی، شیوه تحلیل مرحله خاصی در پژوهش نیست و از بیان مسئله تا گزارش نویسی اتفاق می‌افتد (Faterman 2010; Hamersley and Etinkson 2007; Taylor and Bugdan 1977). تحلیل این پژوهش به پیروی از مراحل سه گانه (تحلیل، تفسیر و گزارش نویسی) (Brewer, 2005: 109) انجام گرفته است: مرحله اول: این مرحله خود دارای ۶ بخش است. ۱- مدیریت داده‌ها: انبوهی از داده‌ها گردآوری شد که در بخش‌های ریز و قابل مدیریت سازمان دهی شد. ۲- کدگذاری: به هر کدام از این بخش‌ها کدهایی اختصاص داده شد. ۳- تحلیل محتوی: داده‌ها در مقوله‌هایی مانند نهادها، عاملان، روندها و نقاط عطف تاریخی گنجانده شدند. ۴- توصیف کیفی: ویژگی‌های مقولات و بخش‌های جزئی‌تر آن‌ها با دقت توصیف شدند. ۵- استخراج الگوها: روابط میان بخش‌های مختلف داده‌ها در بین موقعیت‌ها، افراد و گروه‌ها مقایسه و تقابل داده شدند و در نهایت الگوهایی به دست آمد. ۶- طبقه‌بندی: داده‌ها به دو دسته کلی نهادهای رسمی و زندگی روزمره تقسیم شدند. در مورد اول آموزش و پرورش، نیروی انتظامی، شهرداری و در مورد دوم، تاکسی‌داران، مغازه‌داران، تعمیرکاران و مستاجرین بودند که الگوها، روندها و کنشگران مؤثر این حوزه‌ها در برساخت معانی در نوکان شناخته شد. مرحله دوم: تفسیر داده‌ها: تمام یافته‌ها در ارتباط با هم قرار گرفتند و فرآیند انگ خوردگی محله بر اساس آن‌ها توضیح داده شد. مرحله سوم: ارائه گزارش: زمینه تاریخی، محیط فیزیکی و اجتماعی، جایگاه محله در شهر کرمانشاه، ویژگی اطلاع‌رسان‌ها، نهادها، عاملان، روندها و الگوهای مؤثر در برساخت معنا مد نظر قرار گرفتند.

نوکان در بستر تاریخ معاصر

بر اساس مطالعات شرق‌شناسی هیچ داده‌ای مبنی بر روستا بودن نوکان در دوره قاجار وجود ندارد. مهم‌ترین دلیل آن نبودن چشمه و قنات در نوکان و یا اطراف آن است (Flandin 1977; Blucher 1984; Otter 1985; Oben 1984; Binder 1991; Olivier) 1992; Grothe 1990; Naser Din Shah 1984; Rabino 2014; Jackson 1975; Tavernier, 1985)؛ اما در اواخر قاجار با حفر چاه در محل فعلی، روستای نوکان شکل گرفت. نظام حاکم بر آن ارباب‌رعیتی و افراد به کار دامداری و کشاورزی مشغول بودند (see Darvishian 1991, Volume 1). چندین کدخدا در ده وجود داشت که با مالک در ارتباط بوده و دیگر اهالی رعیت بودند و مالکیتی بر زمین یا محصولات نداشتند. این شیوه غالب زندگی تا زمان اصلاحات ارضی بود. اجرای برنامه اصلاحات ارضی در دهه ۱۳۴۰ منجر به تغییرات وسیعی در مناسبات پیشا سرمایه‌دارانه جامعه ایران شد و در منطقه کرمانشاهان «دو پیامد مهم برای روستاییان داشت: ۱- رها شدن نیروی انسانی از شیوه‌ی تولید سنتی و ۲- بسط روابط سرمایه‌دارانه در روستا» (Gholipour et al 2014: 68- 69). بعد از تقسیم اراضی، دولت، زمین‌ها را به کشاورزان واگذار کرده و بدین ترتیب آن‌ها مالک زمین‌های زراعی شدند؛ اما این مالکیت به دلیل کوچک بودن زمین برای اهالی نوکان ثروتی به همراه نداشت و تغییری در زندگی آنان ایجاد نکرد و همچون گذشته در فقر باقی ماندند، طولی نکشید که آن‌ها برای تأمین معیشت و مایحتاج زندگی‌شان زمین‌هایشان را فروختند. یکی از اهالی در این باره می‌گوید:

«اون موقع پول نداشتیم به خاطر همین مجبور شدیم برای تأمین مخارجمون زمینارو بفروشیم. کسایی که صاحب زمین بودن با گام (گام شماری) زمین رو اندازه می‌گرفتن، روی یه تیکه کاغذ خودشون می‌نوشتن زمین رو به کسی دیگه فروختن» (حسن، ۸۰ ساله، ساکن نوکان).

کمبود درآمد ناشی از کشاورزی و اهمیت یافتن صنعت و شهرنشینی، زمینه برای مهاجرت فراهم نمود. در اوایل دهه‌ی ۵۰، دولت بخشی از زمین‌های نوکان را خریداری کرد و شروع به احداث فرودگاه و هوانیروز کرد. مردم نوکان و روستاهای نزدیک، به‌عنوان کارگر در هوانیروز و فرودگاه مشغول به کار شدند. با ساخت این دو، برق و آبلوله‌کشی وارد نوکان شد و این روستا به دلیل نزدیکی به شهر موردتوجه مهاجرین روستایی دهه ۴۰ و ۵۰ شد.

هم‌زمان با آن در شمال نوکان منطقه روستایی پایروند قرار داشت که دولت تمام زمین‌های آن‌ها را خریداری کرده و به تأسیسات نظامی اختصاص داد. اهالی این منطقه نیز نوکان را محل مناسبی برای اسکان خویش یافتند و در کنار اهالی نوکان، هسته اصلی روستا را تشکیل دادند. با اینکه ارزانی زمین عامل جذب جمعیت فرودستان بود اما تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۱۳۵۷، نوکان به‌عنوان روستایی دورافتاده از شهر باقی ماند. بعد از انقلاب مهاجرت تهیدستان به این روستا تداوم داشت و دومین روند مهاجرت به این روستا شکل گرفت. آن‌ها از اقصی نقاط شرق استان یعنی شهرستان‌های سنقر، کنگاور، صحنه، بیستون و روستاهای درودفرمان بودند. دو روند مهاجرت مذکور سبب شد نوکان به محله‌ای از رعیت‌های قدیم و مهاجران روستایی تبدیل شود و ساختار چند فرهنگی پیدا کند. از اوایل دهه ۶۰ که رشد جمعیتی شهر کرمانشاه از نرخ بی‌سابقه‌ای برخوردار بود، این روستا به شهر متصل شد. خرید و فروش زمین و ساخت‌وساز در این محله غیررسمی و دور از برنامه‌های مدیریت شهری بود، به‌مرور «نوکان به یکی از سکونت‌گاه‌های غیررسمی تبدیل شد» (Tadbir Shahr Advisor, 2003).

روندهای برجسب خوردن محله‌ی نوکان

فرآیند برجسب خوردن محله نوکان، برآمده از درهم تنیدگی چندین روند است که در دو بخش نهادهای رسمی و زندگی روزمره ارائه خواهد شد.

برساخت معنا توسط نهادهای رسمی

شهرداری: نزاع متقابل و انتشار ایماژ مکان «دهاتی»

چگونگی شکل‌گیری تصورات ذهنی شهرداری نسبت به نوکان، پروسه‌ای طولانی مدت است که ریشه آن به گذشته باز می‌گردد. روندهایی در محله نوکان وجود داشته که در نهایت منجر به بدبینی شهرداری نسبت به این محله شده است، از جمله این موارد عبارت‌اند از: *ساخت‌وساز بی‌ضابطه: محله نوکان در طرح‌های جامع و تفصیلی قرار نداشت، بدین ترتیب مردم به‌صورت خودجوش و به‌دوراز هرگونه طرح مهندسی و بر مبنای اضطرار به ساخت‌وساز پرداختند. مدیریت شهری نظارتی بر این روند نداشت، اما با متراکم شدن و توسعه محله در نزدیکی جاده‌ها، شهرداری به تخریب آن‌ها پرداخت. یکی از اهالی می‌گوید:

«وقتی می‌خواستیم خونمون رو بسازیم چون پول و توان زیادی نداشتیم

نمی‌تونستیم به یکباره تکمیلش کنیم. سه بار همین خونه‌هایی که الان هست، نصفه می‌ساختیم و وقتی که می‌خواستیم داخل‌شون زندگی کنیم، باز شهرداری خونه رو بر سرمون خراب می‌کرد تا اینکه بالاخره موفق شدیم. یکبار به کمک خویشاوندان از عصر شروع کردیم تا صبح خونه‌رو ساختیم. دیگه وقتی دیدن خونه کامل ساخته شده خرابش نکردن» (مهوش، ۵۴ ساله، ساکن نوکان).

در نتیجه این ساخت‌وسازهای بی‌رویه و خودجوش، محله‌ای شکل گرفت که دارای بافت نامنظم با خانه‌های دانه‌ریز و معابری کم‌عرض است.

*دامداری: برخی از اهالی به کار دامداری مشغول بودند و هم‌چنان نیز به آن ادامه می‌دهند، زیرا بعد از تغییراتی که در ساختار مالکیت به وجود آمد، توان انجام کار دیگری غیر از دامداری را نداشتند؛ بنابراین همان سبک و سیاق زندگی خود را ادامه داده و آن را به فرزندان خود نیز منتقل نمودند. در این میان، شهرداری با ارسال چندین اخطاریه به دامداران به این نتیجه رسید که نمی‌تواند آن‌ها را به زندگی شهرنشینی وادار کند، بنابراین نوکان را یک شهرک ندانسته و آن را روستا تلقی کرد. کارمندان شهرداری کلیدواژه «دهاتی» را برای این محل انتخاب کردند و به‌مرور این تصور را در فضای اجتماعی شهرداری نهادینه کردند.

*تعمیرگاه‌ها: در لبه‌جنوبی محله مجاور اتوبان بیستون، تعمیرگاه‌های زیادی وجود دارد، شهرداری نیز جهت از بین بردن مشاغل مزاحم و زیباسازی شهری (بلوارسازی)، در تلاش بود که آن‌ها را از دید عموم محو و یا به مکان دیگری منتقل سازد، اما صاحبان این بنگاه‌ها شدیداً مقاومت کردند و اجازه چنین کاری را ندادند. یکی از تعمیرکاران در این زمینه می‌گوید:

«درآمد ما به مشتری بستگی داره، وقتی شهرداری قصد داشت جلوی مغازه‌مون بلوار بکشه، همه ما جمع شدیم و به کارگزارش اجازه ندادیم کار کنن و گفتیم حق ندارین جلوی مغازه‌هامون بلوار بکشین، چون دیگه ماشین نمی‌تونست بیاد داخل مغازه، جلوی مشتری رو می‌گرفت و بالاخره موفق شدیم» (علی احمد، ۵۸ ساله، ساکن نوکان).

نتیجه تعامل سه روند فوق‌الذکر سبب شد که ایماژه «روستایی بودن نوکان» در اذهان

شهرداری شکل گیرد. واکنش شهرداری بر اساس تصورات شکل گرفته شده در دو مؤلفه قابل بررسی می‌باشد: نخست عدم توجه به زیبایی شهری در این محله، دوم ارائه خدمات بیشتر به محله‌های اطراف و عدم ارائه آن در نوکان.

*عدم توجه به زیبایی شهری در این محله: به دلیل وجود تصور «دهاتی بودن» و «عدم شایستگی مردم نوکان در دریافت خدمات»، هیچ‌گونه خدمات شایان‌ذکری به این ناحیه صورت نگرفت. از سوی دیگر، در بسیاری از کوچه‌ها و خیابان‌ها، هیچ جوی آبی وجود نداشت و درنهایت این اهالی نوکان بودند که چنین جوی‌هایی را ایجاد نمودند. البته فرآیند آسفالت خیابان هم از این قاعده مستثنی نبوده و مردم با حداقل کمک از جانب شهرداری به این امر پرداختند. به‌عنوان شاهد این مدعا می‌توان به تأخیر در آسفالت خیابان‌ها، اشاره نمود. به گفته‌ی یکی از اهالی:

پیش‌تر کسی به اینجا اهمیت نمی‌داد می‌گفتن کوره آبدیبه آسفالت نمی‌خواد، هر بار بارون می‌اومد تا زیر زانو گلی می‌شدیم، وقتی می‌خواستیم بریم شهر گلی بودیم با اون وضعیت اصلاً رومون نمی‌شد به شهر بریم، بعضی وقتا یه جفت کفش اضافه هم‌امون بود. الان کوچه‌ها رو آسفالت کردن، از هر خانواری ۵۰ الی ۷۵ تومان گرفتند تا بلاخره سال ۸۲ و ۸۳ آسفالت شد (شهلا، ۴۹ ساله، ساکن نوکان).

باوجود اینکه در زمان کنونی تمام خیابان‌های اصلی آسفالت شده است، اما برخی از کوچه‌هایی که در اطراف نوکان تازه ساخته شده‌اند و همچنین بخش اصلی بافت روستایی آن آسفالت نشده است. به گفته‌ی شهرداری آسفالت این بخش‌ها امکان‌پذیر نبوده و علت آن عرض کم کوچه‌ها می‌باشد. قابل توجه است که افراد این محله با سعی و تلاش خود محیط زندگی‌شان را به محیطی باقابلیت‌های حداقلی زیستن تبدیل کرده‌اند. هرچند در برخی مواقع ناکام مانده‌اند، این ناکامی و طردشدگی حاصل تصورات شهرداری است که همچنان بازتولید می‌شود. تاکنون خدمات شایان‌ذکری در این ناحیه صورت نگرفته است: فضای سبز و پارک تفریحی در این منطقه وجود ندارد و یا اینکه اقدامی برای آن صورت نگرفته است. با این وجود اهالی با همیاری و همکاری و مطالبه‌گری مستمر تاکنون موفقیت‌های اندکی به‌دست آورده‌اند.

ارائه خدمات بیشتر به محله‌های اطراف و عدم ارائه آن به نوکان: در بحث خدمات عمومی می‌توان به نداشتن رفتگر اشاره کرد که برخلاف محلات مجاور، نوکان از چنین مزیتی برخوردار نیست. خیابان اصلی (اتوبان بیستون) و محلات مجاور دارای رفتگر می‌باشد که به‌هیچ‌وجه وارد محله نوکان نمی‌شوند. خود اهالی کوچه و خیابان‌ها را تمیز می‌کنند. از سوی دیگر در بخش جمع‌آوری زباله‌ها نیز شاهد کاستی‌های مشابهی هستیم و همین مسئله در مواردی منجر به درگیری‌های جزئی میان اهالی شده است. مردم نیز به علت فقر و همچنین عدم اعتماد به شهرداری، اغلب عوارض و مالیات پرداخت نمی‌کنند که این امر منجر به چندین نزاع میان مردم و مأمورین شهرداری شده است. بدین ترتیب مردم خود زباله‌هایشان را جمع‌آوری می‌کنند که همواره با کاستی‌هایی روبه‌روست، چنین اقداماتی منجر به انباشت ضایعات و پس‌ماندها در سطح محله شده و خیابان‌ها معمولاً مملو از پسماندهای مختلف می‌شود. همین عمل منجر به زشتی، کثیفی، تجمع زباله و بوی بد در محله می‌شود. بدین ترتیب نوکان با استعاره‌مکانی «کثیف» شناخته می‌شود و این امر با مشاهده محله تأیید می‌شود. آشغال‌گردها در نوکان نسبت به مناطقی که آشغال‌ها به‌طور منظم و با مدیریت جمع می‌شود، بیشتر دیده می‌شوند.

به‌علاوه نوکان فاقد فضای سبز، فضای فرهنگی، اداری، تجاری و نظامی است. شهرداری به‌عنوان یکی از عوامل در شکل‌گیری استعاره‌های فضایی (تصاویر ذهنی) نقشی محوری بازی می‌کند، زیرا با اعمال خود در زندگی روزمره ایماژهای شکل‌گرفته شده را بازتولید می‌کند و خود یکی از منابع شکل‌گیری ایماژ می‌باشد. هنگامی که نوکان را با محلات مجاورش، نظیر محله جهاد مقایسه کنیم، تفاوت‌ها به وضوح نمایان می‌گردند. در محله جهاد به‌عنوان اولین دیگری نزدیک نوکان، آسفالت، جمع‌آوری مرتب زباله‌ها، پهنای خیابان‌ها، ساختمان‌های زیبا، پارک، داشتن رفتگر، دسترسی راحت به دیگر نقاط شهر، متراژ بالای مسکن و قیمت بالاتر آن امکان مقایسه و درک تبعیض را آشکار می‌سازد؛ بنابراین محله جهاد در مقایسه با نوکان به‌عنوان محله برخوردار از امکانات معرفی می‌گردد. این تبعیض در ارائه خدمات منجر به برجسته شدن انگ‌ها و تصورات می‌شود.

آموزش و پرورش، تولید ایماژها و بازتولید شرایط فرودستان آموزش

ساکنین نوکان تا قبل از دهه ۵۰ به دلیل فقر و وابستگی اقتصادی خانواده‌ها به کار فرزندان، مجالی برای تحصیل نیافتند؛ اما به تدریج و با متصل شدن نوکان به بافت شهری

انگ خوردگی سکونت‌گاه غیر رسمی نوکان در کرمانشاه ۱۵

در دهه ۶۰ مدارس در این ناحیه ایجاد شدند. ابتدا دبستان پسرانه چهارده معصوم در سال ۱۳۶۲ و دبستان دخترانه شهید رسول سلیمانی در سال ۱۳۶۶ ساخته شد، بعدها مدرسه راهنمایی الزهرا (س) و سپس دبیرستان دخترانه در سال ۱۳۸۲ شروع به ساخت کرده و در سال ۱۳۸۵ مورد استفاده قرار گرفت. مدرسه راهنمایی پسرانه‌ی پزشکان نیز در سال ۱۳۸۷ ساخته شد.

با توجه به آنچه که گفته شد، کمبود مدارس متوسطه پسرانه منجر به شکل‌گیری ارتباطاتی میان دانش‌آموزان نوکانی و دانش‌آموزان دیگر محلات گشت. آن‌ها در مدارس دیگر، به دلایل مختلف نتوانستند تعاملات سازنده‌ای با دیگران داشته باشند و به‌صورت گروه فروپسته‌ای باقی ماندند. این امر مسبب بسیاری از نزاع‌های گروهی در مدارس بود و ایماژه‌های موجود را تداوم بخشید. یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید:

«وارد مدرسه جهاد که شدیم، سه دسته بودیم هرکدام از یه محل، گاهی باهم دیگه درگیر می‌شدیم برای اینکه ثابت کنیم محله ما برتره چون قدرت بیشتری داریم» (عرفان، ۲۲ ساله، فارغ التحصیل دبیرستان محله جهاد).

این روند سبب شد به‌مرور ایام تصوراتی مانند فحاش، گستاخ، ناهنجار و مخل نظم مدرسه در این مدارس شکل بگیرد. یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید:

«وقتی رفتم مدرسه جهاد که ثبت نام کنم، مدیرشون بهم اجازه ثبت نام نمی‌داد و می‌گفت: بچه‌های نوکان درس نخوان، ناهنجار و خشن‌اند، ولی بعد از اینکه کارنامه‌ام را دید بخاطر اینکه معدلم بالا بود ثبت نام شدم» (حسین، ۱۹ ساله، فارغ التحصیل دبیرستان محله جهاد).

برساخت ایماژه دانش‌آموزان خشن و ناهنجار در مدرسه صرفاً محدود به مدارس خارج از محله نوکان نبود بلکه مدارس درون محله نیز در شکل‌گیری این معانی نقش داشتند، اما این بار معلمان باعث و بانی این روند بودند. هنگامی که ابلاغ این افراد برای مدارس نوکان صادر می‌شد، بسیار ناخشنود بودند و به هر نحوی تلاش می‌کردند تا ابلاغ را تغییر داده و به محله دیگری بروند. در فضای آموزش و پرورش ایماژه‌هایی شکل گرفت که آنان را از رفتن به نوکان و تدریس در مدارس آن ناخشنود می‌ساخت. یکی از دبیران سابق می‌گوید:

«اولین سال خدمتم در سال ۱۳۷۳ بود، شهریور ماه هنگام تقسیم دبیران دوره راهنمایی بحث شد که دانش‌آموزان نوکانی با سلاح سرد به معلمان خود حمله می‌کنند. اتفاقاً سال قبل نیز یکی از دبیران از مدرسه راهنمایی مورد ضرب و جرح قرار گرفته بود؛ بنابراین من که امتیاز کمتری داشتم باید به نوکان می‌رفتم، فضای ذهنی‌ای که در جلسه وجود داشت باعث شد که این کاررو انجام ندم و به روستایی که ۶۰ کیلومتر از کرمانشاه فاصله داشت برم، هنوز بعد از گذشت ۲۳ سال این تصور از نوکان در ذهن من هست» (دبیر آموزش و پرورش دوره راهنمایی در سال ۱۳۷۳، ناحیه سه، مدرسه نوکان).

برچسب خوردن محله نوکان در فضای آموزش و پرورش به گونه‌ای بود که افراد ترجیح می‌دادند به روستاهای دورافتاده بروند اما در این نقطه از شهر خدمت نکنند. معلمانی که در روستا تدریس می‌کردند، روایت‌ها و داستان‌های منفی مختلفی درباره تعامل دانش‌آموزان مطرح کرده و بدین ترتیب همواره ایماژ شکل‌گرفته را بازتولید می‌کردند. هنوز این کلیشه‌ها و برچسب‌ها در فضای آموزش و پرورش ناحیه سه وجود دارد و تغییری در آن ایجاد نشده است. این در حالی است که برخی از معلمانی که سال‌ها در این مدارس خدمت کرده و از تجربه زیسته طولانی‌مدتی برخوردارند، چنین ایماژهایی را نمی‌پذیرند. یکی از این دبیران می‌گوید:

«در ابتدای کارم منو به اجبار فرستادند، اوایل نمیدونستم نوکان کجاست، درمورد اینکه جووناش بزهکار و معتادان شنیده بودم، من ۴ سال در نوکان خدمت کردم. برخلاف تصوری قبلیم متوجه شدم بچه‌های خوبی هستند، بهترین بچه‌ها اونجا شاگردم بودن و کلی خاطره خوب ازشون دارم، فقط مسیر دورش برام مشکل بود» (دبیر خانم، ۳۸ ساله، دهه ۸۰ شاغل در مدرسه راهنمایی دخترانه نوکان).

علیرغم عدم تطابق تصورات با واقعیت زندگی روزمره دانش‌آموزان در محله نوکان، هنوز ایماژ-مکان این محله در فضای آموزش و پرورش تغییری نکرده است.

نیروی انتظامی و تولید اسطوره-فضای بزهکاری

ساختار اجتماعی محله نوکان مبتنی بر طایفه و خویشاوندی است و منازعات خود را نه بر

اساس قانون که بر مبنای قواعد طوایف حل و فصل می کنند. قضاوت ها و مجازات عرفی مبنای رفتار آن هاست و کمتر به قوانین رسمی توجه دارند.

«چند وقت پیش، بین پایروندی ها دعوا بالا گرفت زنگ زدن پلیس و بعد از مدتی پلیس اومد، مردم به پلیس می گفتن جلوشون رو بگیرن ممکنه همدیگرو بکشن، اما اونا می گفتن ولشون کنین اینا پایروندی ان، بخوایم وارد دعواهاشون بشیم ماروهم میکشن، اصلاً نمیدونن منطق چیه» (علی، ۵۴ ساله، ساکن نوکان).

نیروی انتظامی دلایل مختلفی برای این عدم مداخله دارد و باور اساسی آن این است که این محله ذاتاً شرور و هر مداخله ای بی سرانجام است. روند دیگری نیز سبب تقویت این ایماژه می شود. برخی خانواده ها در این محله از طریق فروش مواد مخدر امرارمعاش می کنند. انسجام قومی و بافت بی شکل شهری همراه با خانه های دانه ریز برای چنین شیوه زندگی مناسب است و امکان نظارت را به حداقل می رساند. نیروی انتظامی مداخله کمتری دارد، چرا که بر این باور است که شانس مبارزه با مواد فروشان بسیار کم است. در این مورد یکی از ماموران انتظامی می گوید:

«بیشتر گزارش هایی که از نوکان داریم یا دعواست یا فروش مواد، وقتی میریم محل مورد نظر تا حد امکان سعی می کنیم در دعوها دخالت نکنیم چون قبلاً برخی از همکاران متاسفانه خواسته بودن حتی میانجیگری کنن و به دلیل سرسختی طرفین دعوا خود مامورهایم درگیر دعوا شده بودن، اما موادفروش هاشون مواد زیادی ازشون ضبط نمیشه در حدی هستند که با ضمانت می تونن آزاد بشن و بخاطر اینکه شاکی خصوصی ندارند دوباره راحت برمی گردن، به همین دلیل جدیداً نظارت روی منطقه رو بیشتر کردیم ولی هم چنان خرده مواد فروش داره» (مأمور نیروی انتظامی، محل خدمت کلانتری ۲۲ ظفر).

آن ها نیز مانند آموزش و پرورش تصورات قالبی نظیر بی منطق، خشن و بزهکار از این محله دارند و هنگام انجام مأموریت در این محله به بازتولید چنین ایده ای صحنه می گذارند. در دهه اخیر به واسطه برخی از اتفاقاتی که میان پلیس و بزهکاران در نوکان رخ داد و بازگو

شدن حوادث در گفتگوهای روزمره توسط مأمورین و همکاران، تصورات قالبی در مورد این محله گستردگی وسیع‌تری یافت. پلیس چنین ایماژه‌ای نسبت به محله نوکان داشته و آن‌ها را افرادی می‌داند که حتی توانایی مذاکره ندارند و بدین‌وسیله ایماژه و استعاره‌های منفی در مورد محله را بازتولید می‌کند.

برساخت و بازتولید اسطوره- مکان توسط عامه مردم

در بخش پیشین به نقش نهادهای رسمی اشاره شد اما در ادامه به اهمیت فعالیت‌های عامه در زندگی روزمره اشاره می‌شود که منجر به برجسب‌خوردن محله نوکان شده‌اند.

تاکسی‌رانان و تولید ایماژه‌مکان «مسیر ناامن»: برخلاف محله‌های هم‌جوار، ایستگاه تاکسی در نوکان وجود ندارد. همچنین به‌ندرت شاهد حضور تاکسی‌های گذری هستیم، دلیل عدم ارائه چنین خدماتی در محله نوکان از جانب نهادهای رسمی چندان مشخص نیست. علاوه بر این تصور غالب ساکنین در این زمینه این است که تاکسی‌رانان و آژانس‌های محلی تردد در محله را هنگام شب خطرناک می‌دانند. روایت‌های فراوانی در این باره در زندگی روزمره وجود دارد. به گفته‌ی یکی از رانندگان:

«این اتوبان یکم خطرناکه باید شب‌ها مراقب باشیم. فرقی نداره چه راننده چه مسافر چون از بقیه شنیدم ماشینایی رو دزدیدن یا مسافرایی رو خفت کردن، باز خوبه اونارو نکشتن چون یکم مسیرش پرته، ماشینا با سرعت از کنارهم رد میشن خیلی متوجه ماشینای کناری نمی‌شن و خیلی امنیت نداره اما داخل شهر امن‌تره چون سرعت ماشینا پایین‌تره. آگه کسی رو خفت کنند میتونه به ماشین بغلی بفهمونه که کمکش کنن» (خلیل، ۴۸ ساله، راننده تاکسی ساکن نوکان).

راننده تاکسی‌ها این حکایت‌ها را میان مسافران روایت کرده و آن‌ها نیز به‌نوبه خود در سراسر شهر نقل می‌کنند. این مهم منجر به شکل‌گیری ایماژه‌ای می‌شود که محله و گذرهای اطراف آن را ناامن و خطرناک معرفی می‌نماید. چنین ایماژه‌ای یعنی خطر سرقت (اموال، اتومبیل و انسان) در مورد اتوبانی که از کنار نوکان عبور می‌کند هم وجود دارد، چراکه اخیراً سرقت از اتومبیل و اموال مسافرین نیز مشاهده شده است. این اخبار به‌راحتی از طریق گفت‌وگوهای روزمره‌ای که در تاکسی‌ها نقل می‌شوند به دیگران منتقل می‌شود،

موارد اغراق‌آمیزی از آدم‌ربایی هم به حکایت‌های فوق افزون گشته است که طبق مشاهدات و گفته ساکنین، هیچ بنیانی در واقعیت ندارد.

مستأجرین و بازتولید ایماژه‌مکان «دهاتی»: نرخ ملک و اجاره مسکن در نوکان بسیار پایین است، بنابراین تهی‌دستان شهری گرایش زیادی به سکنی‌گزیدن در این محله دارند. در دهه‌ی اخیر مهاجرت زیادی از جانب فقرای شهری به این محله صورت گرفته و البته مسبب تغییرات وسیعی در بافت اجتماعی قومی و طایفه‌ای نوکان نیز بوده است. مهاجرین شهری دهه اخیر از خدمات نامناسب و برچسب‌خوردن محله اظهار نارضایتی می‌کنند. مهمانان و افرادی که با این خانواده‌ها ارتباط دارند بر این برچسب‌خوردگی دامن می‌زنند و ایماژه‌مکان دهاتی را بازتولید می‌کنند.

«ما چندین سال تو مسکن و فرهنگیان زندگی می‌کردیم، امسال به دلیل اینکه نتونستیم کرایه‌ها رو پرداخت کنیم مجبور شدیم بیایم نوکان، همسایه‌ها درمورد همه چیز می‌پرسن، خیلی زود بخاطر مسائل الکی عصبانی می‌شن و دعوا می‌کنن، واقعاً اینجا هیچ چیزی برای انگیزه پیدا کردن وجود نداره، جاهایی که قبلاً زندگی می‌کردیم خیلی بهتر از اینجا بود، نوکان بیشتر شبیه روستاس تا شهر» (زهره، ۲۷ ساله، ساکن کنونی نوکان).

تا قبل از ورود این افراد نوکان محله‌ای در خود بود که نوکانی‌های قدیمی، پایروندی‌ها و مهاجرین روستا ساکن آن بودند و تجربه زیسته مشابهی داشتند، به همین دلیل امکان مقایسه با دیگران برای آن‌ها کمتر بود؛ اما افراد جدید تجارب متفاوتی دارند و به راحتی متوجه محرومیت محله و دیگر مناطق شهر می‌شوند و خط پیوندی میان محرومیت و ایماژه‌های موجود ترسیم می‌کنند.

مغازه‌ها و بازتولید ایماژه مکان‌های پیشین: مغازه‌ها در این محله دو نقش مهم را ایفا می‌کنند که عبارت‌اند از: اتصال محله و بازار، شکل دادن به سبک زندگی ساکنین. - اتصال محله و بازار: طی دو دهه‌ی اخیر تعداد مغازه‌ها در نوکان افزایش چشمگیری داشته است. باین‌وجود ساکنین معمولاً برای انجام کارهای بانکی، خرید محصولات مورد نظرشان و یا تهیه برخی از اقلام که در نوکان موجود نمی‌باشند، به محله‌های اطراف یا بازار مراجعه می‌کنند. گاهی اوقات ساکنین، از خرید از مغازه‌های موجود در محله اجتناب ورزیده و دلیل

آن را نرخ بالای اقلام و گران‌فروشی می‌دانند. چراکه در برخی از مغازه‌ها اجناس بسیار گران‌تر از بازار کرمانشاه به فروش می‌رسند. با این وجود مردم برخی از نیازهایشان را در صورت لزوم خریداری می‌کنند، مغازه‌های محلی به علت نسبت آشنایی با ساکنین که عمدتاً افراد کم‌بضاعت هستند، محصولاتشان را به صورت اقساطی نیز می‌فروشند. مغازه‌ها هم‌زمان دو نقش متناقض ایفا می‌کنند، از سویی باعث آشنایی ساکنین با تعداد اندکی از محصولات بازار گشته و از سوی دیگر منجر به محدود ماندن آن‌ها به همان محصولات می‌شوند. در این مورد یکی از مغازه‌داران می‌گوید:

وقتی میرم بازار جنس برای مغازه بیارم، اول چندتا نمونه میارم اگر ببینم فروشش خوبه مجدد از همون کالا میارم ولی برخی از محصولات رو میدونم که اینجا اصلاً نمی‌خرن نمیارم چون ضرر می‌کنم، میدونم مردم بیشتر چه چیزهایی می‌خوان و چه نمی‌خوان (مهدی، مغازه‌دار، ساکن نوکان).

هرچند خرده‌فروشی‌ها نسبت به فروشندگان بازار اصلی شهر، اجناس مرغوب و باکیفیتی عرضه نمی‌کنند، اما ساکنین برای آن‌ها که از قافله رقابت عقب نمانند، سعی می‌کنند با خرید همان کالاها، خودشان را به دیگر مصرف‌کنندگان برسانند. خرده‌فروشان یکی از دلایل برجسته‌تر نمودن برجسب‌های نامناسب می‌باشند و این مهم به این دلیل امکان‌پذیر می‌باشد که آن‌ها می‌توانند تصور بازار از محله را شکل دهند، بدین معنا که فروشندگان به‌مثابه دلالاتی در نظر می‌آیند که واسطه معرفی علایق و سلیق مردم نوکان به بازار و دیگران قرار می‌گیرند؛ و این امر، سلیق مردم نوکان را به واسطه ایماژ «دهاتی» بازتولید می‌نماید.

- شکل دادن به سبک زندگی ساکنین: خرده‌فروشی یکی از دلایل ظهور انگ و برجسب‌ها در این محلات می‌باشد. دو دلیل عمده برای این ادعا وجود دارد. نخست به تصور این مغازه‌ها از بازار و اعمال آن‌ها مربوط است و دوم اینکه آن‌ها می‌دانند که در این محله چه کالاهایی موردنیاز است و تلاش می‌نمایند که همان‌ها را تهیه کنند. مغازه‌ها به‌گونه‌ای عمل می‌کنند که سلیقه مختص به محله را شکل داده و درعین حال توان تغییر سلیقه را نیز دارند؛ اما از جهتی به دلیل ساختار قومی پیشینی که در این مکان وجود دارد هر کالایی موردپذیرش قرار نمی‌گیرد و فروشندگان ناچارند برای کسب سود، متناسب با درخواست و سلیقه مردم عمل کنند؛ بنابراین مغازه‌ها همان سبک خرید و سلیقه موجود در محله را

بازتولید می‌نمایند.

بنا بر آنچه گفته شد، مغازه‌ها به‌عنوان یک منبع مهم در تولید معنا به شمار می‌آیند و در شکل‌گیری فضای اجتماعی نقش‌آفرینی می‌کنند. منبع دیگر تولید معنا و شکل‌گیری برجسب‌ها آرایشگاه‌ها هستند، آرایشگاه‌ها نیز به‌عنوان مغازه در این مکان چنین نقشی را ایفا می‌کنند، در این مورد یکی از آرایشگران می‌گوید:

وقتی مدل یا روش جدید آرایشی وارد کار میشه پی‌گیرش نمی‌شم، چون میدونم اینجا جواب نمی‌ده و مردم اینجا دنبال مدل‌های آرایشی به روز نیستن، مثلاً چندسال پیش مردم تتو و هاشور رو استفاده می‌کردن اما زنان اینجا هیچ علاقه و رغبتی نشون ندادن و حدود یکساله اونم دونه دونه‌های همچین چیزایی ازم میخوان» (پری، ۳۷ ساله، ساکن نوکان).

این امر مجدداً منجر به بازتولید انگ «دهاتی بودن» گشته و زنان نوکان را در قالب کلیشه‌های «بی‌کلاس» و «عقب‌مانده» معرفی می‌نماید؛ بنابراین سرمایه‌گذاران انگیزه‌ای برای ایجاد فضاهای مصرفی در این محله نداشته و همچنان منزوی بودن و محرومیت در این محله تداوم دارد. ذهنیت‌های شکل‌گرفته شده، انزوا و محدودیت‌هایی را بر محله تحمیل می‌نماید، از جمله محدودیت‌های زنان که امکان ارتباط با زنان محلات دیگر را نیافته و کاملاً منزوی می‌گردند؛ بنابراین تنها راه ارتباطی آنان مغازه‌های خرده‌فروشان و کوچه‌نشینی می‌باشد. کارکرد مغازه‌ها در این مکان بدین صورت است که امروزه شرایط برای کوچه‌نشینی‌ها در همه‌ی نقاط امکان‌پذیر نیست و جای خود را به مغازه‌نشینی داده است. از جهتی دیگر خرده‌فروشی‌ها به‌عنوان «کانون اخبار محله» تلقی می‌گردند، چراکه در این مکان‌ها رفت‌وآمد بسیار سریع‌تر و بیشتر از دیگر مکان‌ها بوده و زنان از همه‌ی نقاط نوکان در چنین مکان‌هایی حضور می‌یابند. در نوکان نه‌تنها فضاهای فراغت مدرن مانند پارک و باشگاه‌های ورزشی وجود ندارد بلکه فضاهای مصرفی و خرید نیز موجود نبوده و درنهایت ایماژه «روستایی» و «حاشیه‌نشین» تسلط بیشتری پیدا می‌کند. کمبود فضاهای فراغتی و مصرفی، زنان را وادار به کوچه‌نشینی و مغازه‌نشینی کرده است.

شکل‌گیری اسطوره منجر به این می‌شود که تفاوت‌ها برجسته‌تر شده و دوگانگی‌ها و طردها بیشتر خود را در زندگی روزمره نمایان سازند. اسطوره شکل‌گرفته در این مکان باعث تثبیت برجسب‌ها در این محله شده و آن را با برجسب‌هایی چون: بی‌فرهنگ، دهاتی

و شرور معرفی می‌گرداند؛ اما عوامل و ایماژه‌ها ممکن است در طول زمان تغییر کنند و منابع فضایی جدیدی شکل بگیرد و چنین امکانی را به وجود آورد که قدرت برچسب‌ها کاسته شود.

برساخت معنا در فرآیند داغ‌خوردگی مکان روندهای مختلفی دارد، گاهی رسانه‌هایی نظیر تلویزیون، ماهواره، تبلیغات، کتاب، رمان در این میان نقش دارند (See Bianchini, 2014)؛ اما در این پژوهش مشخص شد که انگ‌ها عمدتاً درون روزمرگی افراد جریان داشته‌اند. این در شرایطی است که نوکان محله‌ای فراموش شده در ساحت رسانه‌هاست. خلاقیت‌های زندگی روزمره همیشه در تولید معنا نقش اساسی دارد، این معانی نیز می‌توانند محله‌ای را خوش‌نام و یا بر آن داغ‌زنند.

نتیجه‌گیری

فرآیند برساخت معنای مکان، مشابه با تقریر تاریخ اجتماعی و فرهنگی است. روندها و جریان‌های مختلف توسعه‌ای، تفریحی، اقتصادی، اجتماعی و حتی منازعات در سازوکار ساخت معنای مکان نقش دارند، پژوهش در این زمینه مستلزم بررسی و بازبینی تمام این روندهاست. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن بود که مداخله در مکان، در برساخت تصورات و استعاره‌های مکان تأثیر دارد. مداخلاتی که برخی از آن‌ها رسمی و از بالا و برخی برآمده از دل زندگی روزمره است. گزارش‌های علمی، داستان و رمان، تبلیغات تجاری و بازاریابی هر کدام به نحوی در این فرآیند نقش ایفا می‌کنند؛ اما نمی‌توان جایگاه عقل سلیم و زبان در زندگی روزمره را نادیده گرفت. نتایج این پژوهش تأییدی بر این مدعاست. بازنمایی رسانه‌ای از این محله در فضای اجتماعی و ذهنی کرمانشاه وجود ندارد. صداوسیما، کتب آموزشی، تبلیغات و بیلборدهای تبلیغاتی همگی در بازنمایی این محله سکوت کرده‌اند. نام نوکان در این رسانه مغفول است؛ اما پویایی‌های زندگی روزمره و روال‌های آن معنای برچسب خوردگی را برای آن به ارمغان آورده است که ایماژه‌مکان آن «دهاتی و خشن» است. اطراف این مفهوم مرکزی، معانی دیگری مانند محله جرم‌خیز، کثیف، شرور، زشت و مکان ترس شکل‌گرفته و کلیتی از تصورات ذهنی در مورد نوکان را برساخته‌اند. مدارس و فضای آموزش و پرورش با تصور اینکه دانش‌آموزان محله نظم را رعایت نمی‌کنند ناخواسته به این محله برچسب می‌زنند. شهرداری مسئولیت اجتماعی (مانند خدمات‌رسانی و کوشش در جهت متصل کردن آن به بافت شهری) خود در مورد این محله را فراموش

کرده و از هرگونه مداخله ایجابی امتناع می‌ورزد و استعاره محله‌ای کثیف که نمی‌توان در آن سرمایه‌گذاری کرد را منتشر می‌کند. نیروی انتظامی نیز مانند دو نهاد دیگر بر این باور است که نوکان محل نزاع و درگیری و مکان جرم‌زایی است که مداخله در امور آن چندان جایز و صحیح نیست. راننده‌های تاکسی، مغازه‌داران، زنان کوچه‌نشین و مستاجرین تازه وارد به محله نیز کلیشه‌های موردنظر را بازتولید کرده و بر آن صحنه می‌گذارند. این پژوهش به ما نشان می‌دهد که برساخت معنا صرفاً امری زبانی و مربوط به بازی نشانه‌ها نیست. بلکه عمل افراد در زندگی روزمره همراه با زبان در فرآیند برچسب خوردن توأمان نقش دارند. فرآیندهای مهاجرت، منزوی بودن جغرافیایی، فقر محله، مواجهه شهرداری، آموزش و پرورش و نیروی انتظامی، اعمال راننده‌های تاکسی، اقتصاد غیررسمی همگی در برچسب خوردن محله نقش دارند و این معانی ایجادشده (نوکان به مثابه محله‌ای برچسب خورده) در بازتولید معانی و روندها مؤثر بوده‌اند. چنانکه همچنان این محله نتوانسته است از زیر بار معانی منفی رهایی یابد. مدیریت شهری هم تاکنون در حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی و فرهنگی اقدامی انجام نداده است. به نظر می‌رسد با توجه به یافته‌های این پژوهش مداخلات مسئولانه و اندیشیده شده بتواند نوکان را به بدنه شهر متصل کرده و برچسب‌های منتسب به آن را کم‌رنگ و یا ترمیم کند. تغییر معانی موجود در نوکان نیازمند اراده‌ی جدی سازمان‌های مختلف و برنامه‌های استراتژیک مؤثری است که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

شهرداری: ۱- متصل کردن نوکان به ضلع غربی از طریق احداث فضای عمومی مانند پارک. با این نوع مداخله نوکان از انزوا بیرون آمده و پیوستگی فضایی لازم را به دست خواهد آورد. ۲- ضلع جنوبی و شمالی آن اتوبان است و با مرز محله فاصله دارد. ساماندهی فضایی این منطقه می‌تواند آن را از فضای بی‌دفاع به منطقه‌ای امن تبدیل کند. ۳- ارائه خدمات از قبیل دفع پسماند و احداث ایستگاه تاکسی، اتوبوس و یا حتی زیباسازی ضروری است و این از وظایف مدیریت شهری است. ۴- بازسازی بافت فرسوده و تعمیر و بازسازی معابر امکان کنترل و نظارت را در محله ممکن می‌سازد. ۵- صدور مجوز برای آژانس تاکسی تلفنی. ۶- ساماندهی مغازه‌ها و یا ایجاد بازارچه خوداشتغالی. ۷- برگزاری کلاس‌های آموزش شهروندی، دفع پسماند و توانمندسازی زنان و کودکان. ۸- احداث فضاهای عمومی در درون محله مانند باشگاه‌های ورزشی.

آموزش و پرورش: احداث دبیرستان پسرانه تا دانش‌آموزان این محله مجبور نباشند به

محلات مجاور بروند. ۲- اعزام مجرب‌ترین معلمان به محله و دادن برخی امتیازات به آن‌ها.
۳- تشکیل کارگاه‌های آموزش فرهنگی برای دبیران. ۴- ضروری است در این زمینه با شهرداری همکاری لازم به عمل آید تا در زمینه‌های لازم همکاری کنند.
نیروی انتظامی: احداث پاسگاه در محله، این امر امکان نظارت را بیشتر می‌کند و کل محله به فضایی قابل دفاع تبدیل می‌شود.
صداوسیما: بازنمایی مثبت نوکان در برنامه‌های مختلف.

تشکر و سپاسگزاری

از تمامی اهالی نوکان بابت همکاری بی‌دریغ‌شان قدردانی می‌شود.

References

- Bianchini, F. (2014). *City Mental Perspective (Concepts, Cultural Reflections and Political Pragmatics)*. Translated into Persian by Mohammad Ali Zakaryaie, Tehran: Tisa, [in Persian].
- Binder, H. (1991). *Henry's logbook, Translated into Persian by Keramatollah Afsar*. University of Tehran, [in Persian].
- Blucher. V. (1984). *Blucher's logbook*. Translated into Persian by Keykavoos Jahandari, Tehran: Kharazmi, [in Persian].
- Taylor, S. and Bogden, R. (1977) , *Introduction to Qualitative Research Method*. New York: Wiley.
- Brewer, J (2005). *Ethnography*. Open University Press.
- Brix, J. (2006). *Encyclopedia of Anthropology*. vol 2; Sage Publication.
- Darvishian, A. (1991) , *Cloudy Years*. Tehran: Sparak, [in Persian].
- Fetterman, D. (2010). *Ethnography*. London: Sage.
- Flandin, E. (1978). *Ojan's travel to Iran*. Translated into Persian by Hussein Noor Sadeghi, Tehran: Ashrafi, [in Persian].
- Gholipour S, Kazemi, A, Rezaee, M. (2014) , '*Return of the Rejected: The emergence of Informal Habitats in Kermanshah*'. Sociological Review, 21th edition, number 1, 63-83, [in Persian].
- Grothe, H. (1990). *Groote's logbook*. Translated into Persian by Majid Jalilvand, Tehran: Markaz, [in Persian].
- Hamidian, A., Zahedi, M. J., Maleki, A. & Ansari, E. (2015) '*Analysis of Social Economical Inequities and Socail Rejection of Groups in Metropolis of Isfahan*' *Contemporary Sociological Research*. Forth Year, Number 6, 1-32, [in Persian].
- Hammersly, M. & Atkinson, P. (2007) , *Ethnography: Principle in Practice*. London: Tavistok.
- Jackson, A. (1975). *Jackson's logbook, Iran in the Past*. Translated by Fereydoon Badreei. Tehran: Kharazmi, [in Persian].
- Jackson, M. (2014). *Radical Experiencism (About Work and Ethnographic Writing)*. Collected and Translated into Persian by Asghar Izadi Jeyran, Tehran: Tisa, [in Persian].
- Khaje Salehi, A., Azam Zade, M. (2015) '*Distinction of Neighborhoods and Feeling of Social Rejection (Case Study of Pakdasht City)*'. Social Welfare, Fifteenth Year, Number 59, 91-120, [in Persian].
- Lefebvre, H. (1991) , *The Production of Space*. Oxford, Blackwell.
- Marchosion, J. (2013). *Ethnography: Design*. Guidance and Presentation of Research, Translated into Persian by Seyed Ghasem Hasani, Tehran: Sociologists Publications, [in Persian].
- Moshaver Tadbir Shahr. (2003). *Report of Possibility of Designing Informal Habitats Initiation in kermanshah*. Ministry of Housing and Urban Affairs, [in Persian].
- Naser Din Shah. (1984). *Atabat Logbook of Naser Din Shah*. Iraj Afshar,

- Tehran, Atar, [in Persian].
- Oben, E. (1984). *Iran Today 1906-1907: Iran and Mesopotamia*. Translated into Persian by Ali Asghar Saeedi, Tehran: Zovar, [in Persian].
 - Olivier, J. (1992). *Olivier's logbook: Social-Economical History of Iran in Early Qajar*. Translated into Persian by Mohammad Taher Mirza, Tehran: Etelaat Publications, [in Persian].
 - Otter, J. (1985). *Ooter's logbook*. Translated into Persian by Marzie Ali Eghbali, Tehran: Javidan, [in Persian].
 - Rabino, L. (2014). *A report from Bazargan and City Community and Kermanshah Province*. Translated by Fariborz Hamzehee, Kermanshah: Razi University, [in Persian].
 - Shields, R. (1988) , *Images of Space and Place: A comparative study*. A thesis for degree of Doctor of Philosophy: University of Sussex.
 - Shields, R. (1991) , *Places on the Margin: Alternative geography of modernity*. London, Routledge.
 - Stauss, A. (1961) , *Image of the American City*. Chicago: University of Chicago Press.
 - Taheri, M., Ejlali, P. (2013) 'Era study and Sociological Study" *Tork District" of Sari (in the Framework of Social Space, Crime and Identity)*. Crime Prevention Studies, Eighth Year, number 29, 89-120, [in Persian].
 - Tavernier, J. (1985). *Tavernier's logbook*. Translated into Persian by Abootorab Noori, Tehran: Sanoobar, [in Persian].
 - Wacquant, L., Slater, T. &Virgilio, B, P. (2014) , 'Territorial stigmatization in action'. in Environment and Planinig: Economy and Space, 6 (1270-1280).